



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بجثمان در روایاتی از باب ۱۳ از ابواب جهاد العدو وسائل الشیعة بود که دلالت بر اینکه قبل از قیام و ظهور حضرت مهدی علیه السلام مردم باید در برابر ظلم و ستم و استکبار و هر جریانی به صبر و سکوت برگزار کنند و قیام و حرکتی نکنند که هر حرکت و قیامی قبل از ظهور آن حضرت محکوم به شکست و بلکه باعث تقویت طاغوت می باشد، این قبیل روایات با فرهنگ اسلام که ما می شناسیم و از قرآن و روایاتمان می فهمیم منافات دارند زیرا در اسلام فرهنگ و جهاد به عنوان دو عامل پیشرفت بیان شده اند و فلسفه هر دو نیز روشن می باشد، بنابراین باید از این روایات باب سیزده جواب داده شود.

ما ابتداء خبر اول از باب ۱۳ یعنی خبر عیص بن القاسم را خواندیم و توجیهش کردیم و اما خبر دوم از این باب ۱۳ که مرسل نیز می باشد این خبر است: ﴿وعنه، عن أبيه، عن حماد بن عيسى، عن ربعي رفعه، عن علي بن الحسين عليهما السلام قال: والله لا يخرج أحد منا قبل خروج القائم إلا كان مثله كمثل فرخ طار من وكره قبل أن يستوي جناحاه فأخذه الصبيان فعبثوا به﴾<sup>۱</sup>.

خبر ششم از این باب ۱۳ نیز مضمونش مثل همین خبر دوم می باشد، خبر این است: ﴿وعنه، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن حماد بن عيسى، عن الحسين بن المختار، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كل راية ترفع قبل قيام القائم فصاحبها طاغوت يعبد من دون الله عز وجل﴾<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۳۶، ابواب جهاد العدو، باب ۱۳، حدیث ۲.

<sup>۲</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۳۷، ابواب جهاد العدو، باب ۱۳، حدیث ۶.

بنابراین خبر دوم و ششم از باب ۱۳ که خواندیم تقریباً مضمونشان واحد است و دلالت دارند بر اینکه قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام نباید قیام و حرکتی صورت بگیرد و اگر چنین شد کسی که قیام می کند طاغوت است.

خوب و اما این عبارت در اول مقدمه صحیفه سجادیه نیز ذکر شده است البته ظاهراً این مقدمه را بعداً به صحیفه سجادیه اضافه کرده اند علی آیی حال افراد مجهول در سند این خبری که در مقدمه صحیفه سجادیه ذکر شده وجود دارند، یحیی بن زید بعد از شهید شدن پدرش به خراسان آمد و به یک شخصی بنام متوکل بن عمر برخورد کرد و با هم مشغول صحبت شدند، ظاهراً راوی یعنی همان متوکل بن عمر دو جبهه درست می کند و به یحیی بن زید می گوید چطور است که مردم امام باقر و امام صادق علیهما السلام را از تو و پدرت و امام سجاد علیه السلام بیشتر دوست دارند؟ یحیی در جواب می گوید بله مشخص است چون آنها علم و فرهنگ دارند ولی ما هم علم و هم فرهنگ و هم شمشیر داریم و معلوم است که مردم کسی که شمشیر دارد را دوست ندارند خلاصه از این قبیل کلمات بینشان مطرح شده که حاکی از این است که دو جبهه بوجود آمده بوده و سپس یحیی از متوکل پرسید آیا درباره من از امام صادق علیه السلام چیزی شنیده ای؟ گفت بله حضرت فرمودند یحیی نیز مثل پدرش زید به شهادت خواهد رسید، وقتی یحیی این مطلب را شنید رنگش تغییر کرد و کلماتی بیان کرد که این برخلاف مشی اهل بیت علیهم السلام می باشد زیرا یحیی نیز مثل پدرش شجاع بوده، خلاصه روایت به اینجا می رسد که یحیی یک کتابی همراهش داشته که به متوکل می گوید این کتاب دعاهای امام سجاد علیه السلام است و حالا که من کشته خواهم شد تو این کتاب را بگیر و ببر به

طلبان شکم پرست با مستمسک قرار دادن چند روایت ضعیف تنبلی و سستی خود را توجیه می کنند، ملاحظه کنید با دو روایت ضعیف چه بساطی راه انداخته اند، آیا نمی بینید قرانی را که با جدیت مردم را به قیام در برابر سلاطین دعوت می کند موسی و دیگر انبیاء الهی را به قیام در برابر سلاطین دعوت می کند و در جائی می فرماید: ﴿وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمْسِكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ﴾<sup>۳</sup>، این تنبل ها قران را کنار گذاشته اند و چسبیده اند به دو روایت ضعیفی که شاید وعاظ السلاطین (مفتیان) که طبق میل سلاطین فتوی می دهند و ظلمهای آنان را توجیه می کنند آنها را جعل کرده باشند، و بالاخره امام در آخر کلامش می فرماید انزوا طلبی ناشی از سود جوئی و رفاه طلبی و یا ترس و زبونی می باشد، لذا امام فرمودند من یک موی این کوخ نشینان را به چهل تا از آن مرفهین بی درد نمی دهم.

شاید در زمان بنی عباس چنین روایاتی را جعل کردند تا مردم سکوت کنند و آنها بتوانند حکومت خودشان را ادامه بدهند.

خوب و اما خبر سوم از باب ۱۳ را نیز می خوانیم تا بعداً توضیح بدهیم: ﴿وعن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن عثمان بن عيسى، عن بكر بن محمد، عن سدير قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: يا سدير أئرم بيتك، وكن حلصا من أحلاسه، واسكن ما سكن الليل والنهار، فإذا بلغك أن السفیاني قد خرج فارحل إلینا ولو علی رجلک﴾<sup>۴</sup>.

خبر سندا صحیح است اما توضیح و توجیه و جوابش بماند برای بعد إن شاء الله تعالی... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرين

امام صادق علیه السلام بده، متوکل کتاب را گرفت و نزد امام صادق علیه السلام برد و جریان زید و یحیی را گفت و حضرت خیلی متاثر شدند و گریه کردند و بالاخره متوکل آن کتاب را به حضرت داد و حضرت فرمودند یک نسخه از این کتاب را پدرم امام باقر علیه السلام به من داده است و بعد دو نسخه را با هم تطبیق کردند و دیدند دقیقا مثل هم می باشند، خلاصه در مقدمه این کتاب اینطور ذکر شده که امام صادق علیه السلام فرموده هر قیام و پرچمی قبل از ظهور مهدی علیه السلام طاغوت و محکوم به شکست می باشد.

ما عرض می کنیم که چنین روایاتی با فرهنگ اهل بیت علیهم السلام جور در نمی آید زیرا اهل بیت هم با بیان و هم با عمل خودشان خلاف این را نشان داده اند خصوصا حضرت سید الشهداء علیه السلام و یا قیام شهداء فخر، فلذا ما ناچاریم چنین روایاتی را توجیه کنیم و جواب بدهیم.

در اوائل انقلاب مثل حالا وحدت وجود نداشت و انقلاب و قیام تثبیت نشده بود لذا امام تلاش می کردند تا بین همه اشار وحدت ایجاد کنند، در میان علماء و طلاب نیز افرادی بودند (بقایای انجمن حجتیه) که گاهاً با قیام امام مخالفت می کردند و در گوشه و کنار حرفهائی می زدند و مخالفتها می کردند، بنده مقداری از کلام امام رضوان الله علیه در آن زمان را در کتاب علماء اسلام خودم نوشته ام که در جواب از اخبار مذکور نیز به ما کمک می کند، ایشان فرموده اند؛ افرادی به چند روایت که صاحب وسائل آنها را نقل کرده و دلالت دارند بر اینکه قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام قیام در برابر ستمگران جائز نیست و باید مردم به صبر و سکوت برگزار کنند تا حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند استناد کرده اند، انزوا

<sup>۳</sup> سوره هود، آیه ۱۱۳.

<sup>۴</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۳۶، ابواب جهاد العدو، باب ۱۳، حدیث ۳.